

Document Type

Applied Article

پژوهش کاربردی

نوع مقاله

Analysis of the Social Conflict in the Persian Gulf Water Transfer Project and the Proposal of a Participatory Governance Model Based on Sustainable Development

تحلیل مناقشه اجتماعی انتقال آب خلیج فارس و ارائه الگوی حکمرانی مشارکتی مبتنی بر توسعه پایدار

N. Anjomshoa^{1*}, S. A. M. Jalaei², M. Nejati³

نادیا انجم شعاع^۱، سید عبدالمجید جلائی^۲، مهدی نجاتی^۳

1- Ph.D. Student, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

۱- دانشجوی دکتری، گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

2, 3- Professor and Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Management, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran.

۲ و ۳- به ترتیب استاد و دانشیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

* Corresponding Author Email: anjomshoa@aem.uk.ac.ir

* رایانامه نویسنده مسئول: anjomshoa@aem.uk.ac.ir

Received 23-07-2025

تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۵/۰۱

Revised 06-10-2025

تاریخ بازنگری ۱۴۰۴/۰۷/۱۴

Accepted 16-10-2025

تاریخ پذیرش ۱۴۰۴/۰۷/۲۴

Available online 16-03-2026

تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۲/۲۵

Abstract

چکیده

The Persian Gulf Water Transfer Project is one of the largest infrastructure initiatives in Iran's water sector, implemented to provide drinking water and support export-oriented industrial development. Despite the stated benefits, the project has faced criticisms and opposition from environmental specialists, social activists, and some scientific institutions. This study aims to identify the main roots of social conflicts surrounding the project and to propose a participatory governance model based on sustainable development. A qualitative research approach was adopted, employing document analysis of official and media sources alongside semi-structured interviews with key stakeholders. Data were analyzed using thematic analysis with MAXQDA software. The research framework is grounded in sustainable development across economic, social, and environmental dimensions, as well as participatory governance theories. Findings indicate that the primary roots of conflict include competing stakeholder interests, lack of transparency in policymaking, disregard for alternative options, and public distrust. In addition, significant challenges were identified across all three dimensions of sustainable development. The importance of this study lies in presenting a context-specific participatory governance model that emphasizes multi-stakeholder dialogue, transparency of information, and collective decision-making. This model can contribute to improving policymaking and project management in water transfer initiatives within Iran and similar local contexts. However, due to the specific socio-political characteristics of the Persian Gulf Water Transfer Project, the findings are not necessarily generalizable to other projects, serving primarily as guidance for policymakers in comparable initiatives.

پروژه انتقال آب خلیج فارس یکی از بزرگترین طرح‌های زیرساختی کشور در حوزه منابع آب است که با هدف تأمین آب شرب و توسعه صنایع صادرات‌محور اجرا شده است. با وجود مزایای مطرح شده، این پروژه با نقدها و مخالفت‌هایی از سوی متخصصان محیط‌زیست، فعالان اجتماعی و برخی نهادهای علمی مواجهه بوده است. این پژوهش با هدف شناسایی ریشه‌های اصلی مناقشات اجتماعی پیرامون پروژه و ارائه الگویی برای حکمرانی مشارکتی مبتنی بر توسعه پایدار انجام شده است. روش پژوهش کیفی بوده و از تحلیل اسنادی منابع رسمی و رسانه‌ای، همراه با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ذی‌نفعان کلیدی استفاده شده است. داده‌ها با روش تحلیل تماتیک و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شده‌اند. چارچوب پژوهش بر توسعه پایدار در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی و نظریه‌های حکمرانی مشارکتی استوار است. یافته‌ها نشان داد ریشه‌های اصلی مناقشه شامل تضاد منافع میان ذی‌نفعان، نبود شفافیت در سیاست‌گذاری، نادیده گرفتن گزینه‌های جایگزین و بی‌اعتمادی عمومی است. در هر سه بعد توسعه پایدار نیز، چالش‌های جدی شناسایی شد. اهمیت پژوهش در ارائه یک مدل حکمرانی مشارکتی بومی است که بر گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی، شفافیت اطلاعاتی و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی است. این مدل می‌تواند در بهبود سیاست‌گذاری و مدیریت پروژه‌های انتقال آب در ایران و پروژه‌های مشابه در شرایط بومی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، به دلیل ویژگی‌های خاص اجتماعی-سیاسی پروژه انتقال آب خلیج فارس، یافته‌ها به طور قطعی به سایر پروژه‌ها تعمیم‌پذیر نیستند؛ بلکه بیشتر به عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران در پروژه‌های مشابه قابل توجه‌اند.

واژه‌های کلیدی: مناقشه اجتماعی، انتقال آب، حکمرانی مشارکتی، توسعه پایدار.

Keywords: Social Conflict, Water Transfer, Participatory Governance, Sustainable Development.

How to cite this article:

Anjomshoa, N., Jalaei, S.A., & Nejati, M. (2026). Analysis of the Social Conflict in the Persian Gulf Water Transfer Project and the Proposal of a Participatory Governance Model Based on Sustainable Development. Journal of Water and Sustainable Development, 12(4), 47-62. <https://doi.org/10.22067/jwsd.v12i4.2507-1444>

پروژه انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران، با هزینه‌ای بالغ بر ۸ میلیارد دلار و ظرفیت انتقال سالانه ۱ میلیارد مترمکعب آب، یکی از بزرگترین طرح‌های زیرساختی کشور در حوزه مدیریت منابع آب است. هدف اصلی این پروژه تأمین آب شرب و پشتیبانی از توسعه صنایع صادرات‌محور در مناطق مرکزی ایران است که با بحران منابع آبی مواجه‌اند ([فدایی تهرانی و ابارشی، ۱۴۰۳](#)). با این حال، با وجود مزایای اقلیمی این پروژه‌ها، مناقشات گسترده‌ای در خصوص ابعاد عدالت محیط‌زیستی و حکمرانی آن در جریان است. از جمله مهم‌ترین چالش‌های موجود، تضاد منافع میان بازیگران کلیدی و حاشیه‌ای، ناتوانی در تقویت مشارکت رویه‌ای و همچنین فقدان شفافیت در شبکه سیاستی تصمیم‌گیر است. ([قربانی و همکاران، ۱۴۰۴](#)).

این پروژه نه تنها یک طرح منطقه‌ای یا استانی؛ بلکه بخشی از سیاست‌های کلان کشور در راستای تأمین امنیت آبی و توسعه پایدار است که در اسناد بالادستی همچون سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه ششم و هفتم گنجانده شده است. بنابراین، تحلیل مناقشه اجتماعی پیرامون آن نیز باید در چارچوب سیاست عمومی ملی و نه تنها در سطح محلی یا استانی صورت گیرد. با این وجود، فقدان حکمرانی مشارکتی مناسب و بی‌توجهی به نظرات جوامع محلی باعث شده بسیاری از ذی‌نفعان پروژه، به‌ویژه در مناطق مبدأ، اعتراضات شدیدی علیه آن داشته باشند ([محمدی و همکاران، ۱۳۹۸](#)). به‌طور ویژه، نگرانی‌های محیط‌زیستی ناشی از برداشت آب و تأثیرات آن بر اکوسیستم‌های دریایی و خشک، یکی از مسائلی است که منتقدان به آن اشاره دارند ([Doortmans و همکاران، ۲۰۲۲](#)).

تجربه‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد فناوری و توسعه صنعتی در صورت همراهی با حکمرانی مشارکتی می‌توانند موفق باشند. به‌عنوان مثال در پروژه انتقال آب جنوب-شمال چین، استفاده از فناوری‌های پیشرفته تصفیه و پمپاژ زمانی توانست اثربخش باشد که با مشارکت جوامع محلی و گزارش‌دهی عمومی همراه شد ([Li و همکاران، ۲۰۲۲](#)). در هند نیز برخی طرح‌های مدیریت منابع آب تنها پس از آنکه سازوکارهای مشارکت اجتماعی و نظارت جامعه مدنی در کنار فناوری‌های نوین آبیاری قرار گرفتند، به نتایج پایدار دست یافتند ([UN Water، ۲۰۲۳](#)).

پژوهش حاضر در چارچوب اصول توسعه پایدار قابل توضیح است و با برخی از اهداف توسعه پایدار سازمان ملل ([SDGs](#))^۲ هم‌راستا است؛ به‌ویژه هدف ششم (آب پاک و بهداشت)، هدف هفتم (انرژی پاک و مقرون به صرفه) و هدف سیزدهم (اقدام اقلیمی).

این پژوهش با هدف مخالفت با فناوری‌های انتقال یا توسعه صنعتی نوشته نشده است؛ بلکه با هدف تحلیل مناقشات اجتماعی پیرامون پروژه انتقال آب خلیج فارس و ارائه الگویی برای حکمرانی مشارکتی مبتنی بر توسعه پایدار، ریشه‌های اصلی این مناقشات بررسی خواهد شد. تحلیل‌های انجام شده در این زمینه نشان دادند یکی از عوامل کلیدی در افزایش تعارضات، عدم شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری و نادیده گرفتن گزینه‌های جایگزین است ([حسینی و کریمی، ۱۴۰۲](#)). علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهند پیاده‌سازی حکمرانی مشارکتی و استفاده از فناوری‌های نوین می‌تواند به کاهش این تعارضات و تقویت پایداری پروژه‌های بزرگ زیرساختی کمک کند ([Zhang و همکاران، ۲۰۲۳](#)). هدف این مقاله این است که مدل حکمرانی مشارکتی مناسبی برای پروژه‌های انتقال آب ارائه دهد که بر گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی، شفافیت اطلاعات و تصمیم‌گیری جمعی مبتنی باشد و نه تنها این مدل، در تضاد با فناوری‌های نوین نیست، بلکه مکمل آن‌ها است و می‌تواند به افزایش پذیرش اجتماعی و کارایی پروژه‌های بزرگ زیرساختی کمک نماید.

نوآوری این پژوهش در دو بعد اصلی است: نخست، تمرکز بر مناقشه اجتماعی پروژه انتقال آب خلیج فارس با رویکرد کیفی و تحلیل تماتیک که کمتر در ادبیات داخلی مورد توجه قرار گرفته است؛ دوم، ارائه یک مدل بومی حکمرانی مشارکتی مبتنی بر داده‌های میدانی و اسناد بالادستی که می‌تواند در سیاست‌گذاری و مدیریت پروژه‌های مشابه به کار گرفته شود.

بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش چنین است: ریشه‌های اصلی مناقشه اجتماعی پیرامون پروژه انتقال آب خلیج فارس چیست و چگونه می‌توان الگویی برای حکمرانی مشارکتی مبتنی بر توسعه پایدار ارائه داد؟

در کنار این پرسش، دو سؤال فرعی نیز مطرح است: ۱. ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی مناقشات ذی‌نفعان چه تفاوت‌ها و اشتراکاتی دارند؟

۲. چه محرک‌ها و بسترهای نهادی می‌توانند زمینه‌ساز پذیرش حکمرانی مشارکتی در پروژه‌های انتقال آب باشند؟

پیشینه پژوهش

مطالعات پیشین درباره پروژه‌های انتقال آب در ایران و جهان بیشتر بر ابعاد فنی و محیط‌زیستی متمرکز بوده‌اند. در ایران، [فدایی تهرانی و ابارشی \(۱۴۰۳\)](#) به بررسی فنی و اقتصادی نمک‌زدایی و انتقال آب شور پرداخته و پیامدهای آن را تحلیل کردند. همچنین [محمدی و کرباسی \(۱۴۰۲\)](#) بر ضرورت بهینه‌سازی مصرف آب در بخش کشاورزی و اصلاح الگوهای رفتاری مصرف‌کنندگان تأکید داشته‌اند.

در سطح بین‌المللی، [Li و همکاران \(۲۰۲۲\)](#) در مطالعه‌ای پیرامون پروژه انتقال آب جنوب-شمال چین به پیامدهای اکولوژیکی این طرح پرداختند. همچنین [Doortmans و](#)

همکاران (۲۰۲۲) با ارائه مدل مفهومی جدید، بر پیچیدگی‌ها و ابعاد اقتصادی-اجتماعی انتقال‌های بین‌حوضه‌ای در جهان تأکید کردند. [Rollason و همکاران \(۲۰۲۲\)](#) نیز چارچوبی برای تحلیل ابعاد چندگانه پروژه‌های انتقال آب ارائه کردند. از منظر نظری، [Ostrom \(۱۹۹۰\)](#) در نظریه مدیریت منابع مشترک و [Ansell و Gash \(۲۰۰۸\)](#) در چارچوب حکمرانی مشارکتی، بر اهمیت گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی، شفافیت و اعتمادسازی را برای کاهش مناقشات و مدیریت پایدار منابع تأکید کردند. باین‌وجود، کاربرد عملی این نظریه‌ها در پروژه‌های انتقال آب در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

مطالعات جدیدتر نیز بر ضرورت حکمرانی تطبیقی و مشارکتی در پروژه‌های انتقال آب تأکید کردند. برای نمونه، [Zhang و همکاران \(۲۰۲۳\)](#) در مورد چین نشان دادند بدون مشارکت محلی و شفافیت اطلاعاتی، پروژه‌های انتقال آب با مقاومت اجتماعی روبه‌رو می‌شوند. همچنین گزارش [UN Water \(۲۰۲۳\)](#) درباره هند و آفریقا نشان داد بی‌توجهی به پیوست‌های اجتماعی و محیط‌زیستی، موجب افزایش نابرابری و کاهش مشروعیت اجتماعی می‌شود.

رهبرقاسی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به این نکته اشاره کرد حکمرانی آب در ایران با مشکلات ساختاری، نهادی و اجتماعی زیادی روبه‌رو است که منجر به بحران منابع آبی شده است. این مسائل نیازمند اصلاحات جدی در نهادهای مدیریت آب و تصمیم‌گیری‌های مشارکتی در پروژه‌های بزرگ زیرساختی مانند انتقال آب خلیج فارس است. همچنین **خان‌محمدی و همکاران (۱۴۰۲)** بر لزوم اصلاح ساختار حکمرانی و استفاده از مدل‌های مشارکتی تأکید کرد و نشان داد مشارکت ذی‌نفعان و شفافیت اطلاعاتی می‌تواند به کاهش مناقشات اجتماعی و تقویت پایداری پروژه‌ها کمک کند. تفاوت پژوهش حاضر با مطالعات گذشته در آن است که به‌جای تمرکز صرف بر جنبه‌های فنی یا محیط‌زیستی، به‌طور مستقیم مناقشه اجتماعی پروژه انتقال آب خلیج فارس با رویکرد کیفی (مصاحبه نیمه ساختاریافته و تحلیل تماتیک) بررسی می‌شود و در نهایت، یک مدل حکمرانی مشارکتی بومی مبتنی بر اصول توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی) پیشنهاد می‌دهد. این خلأ در ادبیات پژوهشی ایران و حتی مطالعات بین‌المللی کمتر پررنگ شده و نوآوری اصلی مطالعه حاضر محسوب می‌شود.

مواد و روش‌ها

این پژوهش با رویکرد کیفی به تحلیل مناقشات اجتماعی پروژه انتقال آب خلیج فارس پرداخته و از روش‌های مصاحبه

نیمه ساختار یافته و تحلیل اسنادی برای گردآوری داده‌ها استفاده کرده است. داده‌ها با روش تحلیل تماتیک و با بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA ۳ تحلیل شده‌اند. برای شفاف‌سازی مسیر مطالعه، فلوچارت مراحل پژوهش در انتهای این بخش ارائه شده است.

- جامعه آماری و نمونه‌گیری

جامعه آماری شامل پنج گروه ذی‌نفعان کلیدی پروژه عبارتند از کارشناسان و پژوهشگران حوزه آب و محیط‌زیست، مدیران و مسئولان اجرایی پروژه، نمایندگان بخش صنعت و معدن، فعالان اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد و نمایندگان جوامع محلی بوده است؛ که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند، ۱۰ مصاحبه عمیق با افراد منتخب از این گروه‌ها انجام شد تا تنوع دیدگاه‌ها پوشش داده شود. انتخاب نمونه‌ها بر اساس دانش و تجربه مرتبط با پروژه صورت گرفت.

- روش گردآوری داده‌ها

۱- مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته

تعداد ۱۰ مصاحبه نیمه ساختار یافته با ترکیب مشارکت‌کنندگان زیر با راهنمای پرسش‌های باز درباره ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی پروژه انجام شد. تمامی مصاحبه‌ها با اخذ رضایت آگاهانه از مشارکت‌کنندگان، حفظ محرمانگی اطلاعات با استفاده از کدها، احترام به آزادی پاسخ‌گویی و رعایت امانت‌داری در نقل قول‌ها انجام شد.

از نظر موضع نسبت به پروژه، ۴ نفر موافق، ۴ نفر مخالف و ۲ نفر دیدگاه بینابینی داشتند؛ بنابراین تعادل نسبی میان دیدگاه‌ها برقرار شد، اگرچه برخی مخالفان استدلال‌های بیشتری ارائه کردند که در تحلیل تماتیک پررنگ‌تر بازتاب یافته است. جدول (۱) ترکیب کامل مصاحبه‌شوندگان، جایگاه/سمت آن‌ها و موضع آن‌ها را نشان می‌دهد.

برای مطالعه کیفی تک‌موردی با تحلیل تماتیک، انتخاب ۱۰ مصاحبه به‌عنوان حجم نمونه براساس اصول پژوهش کیفی و با تأکید بر مفهوم "قدرت اطلاعاتی" و "اشباع نظری/کدی" تعیین شد. قدرت اطلاعاتی به این معنا است که حجم نمونه باید اطلاعات کافی و مرتبط برای پاسخ به سؤالات پژوهش فراهم کند، که به عواملی مانند تمرکز خاص پژوهش، تنوع نمونه و عمق داده‌ها بستگی دارد ([Malterud و همکاران، ۲۰۱۶](#)). این پژوهش با تمرکز مشخص بر مناقشات اجتماعی پروژه انتقال آب خلیج فارس، تنوع ذی‌نفعان (شامل کارشناسان دانشگاهی، مدیران اجرایی، نمایندگان صنایع، فعالان اجتماعی و جوامع محلی) و عمق مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته (۴۵ تا ۷۵ دقیقه) طراحی شد.

جدول ۱- مشخصات مصاحبه‌شوندگان و موضوع آن‌ها

گروه مصاحبه‌شونده	تعداد	جایگاه/سمت	موضوع نسبت به پروژه
کارشناسان و پژوهشگران دانشگاهی	۳ نفر	دو استاد دانشگاه (مهندسی آب و محیط‌زیست) + یک پژوهشگر ارشد	۱ دیدگاه موافق و ۲ دیدگاه مخالف
مدیران اجرایی پروژه	۲ نفر	مدیر پروژه در شرکت مهندسی آب + معاون فنی پیمانکار اصلی	۲ دیدگاه موافق
نمایندگان صنایع فولاد و مس	۲ نفر	مدیر میانی کارخانه فولاد یزد + مدیر برنامه‌ریزی شرکت مس کرمان	۱ دیدگاه موافق و ۱ دیدگاه بینابین
فعالان اجتماعی و محیط‌زیست	۲ نفر	عضو هیات مدیره NGO ^۴ محیط‌زیستی + عضو انجمن حفاظت از منابع آب تهران	۲ دیدگاه مخالف
نمایندگان جوامع محلی*	۲ نفر	یک نفر از ساکنان محلی یزد (مقصد) + یک نفر از ساکنان محلی بندرعباس (مبدأ)	۲ دیدگاه بینابین

* در خوشه جوامع محلی، دو مطلع (یزد و بندرعباس) مشارکت داشتند که به دلیل هم‌پوشانی محتوایی، به‌عنوان یک واحد تحلیلی در گزارش لحاظ شده‌اند. بنابراین مجموع کل مصاحبه‌ها همچنان ۱۰ نفر در نظر گرفته شده است.

انجام شد تا صحت تفسیر پژوهشگر تأیید شود و سوگیری‌های احتمالی کاهش یابد. سوم، بازبینی همتا توسط دو پژوهشگر مستقل آشنا با روش‌شناسی کیفی صورت گرفت، که شامل بررسی کدها، مقوله‌ها و کدهای نهایی بود تا انسجام تحلیل تضمین شود. همچنین مستندسازی دقیق فرآیند کدگذاری و یادداشت‌های تحلیلی در MAXQDA امکان ردیابی تصمیمات پژوهشگر و افزایش اتکاپذیری را فراهم کرد. این اقدامات، براساس با معیارهای اعتباربخشی در پژوهش‌های کیفی (Lincoln و Guba، ۱۹۸۵)، کیفیت یافته‌ها و قابلیت اعتماد به نتایج پژوهش را تقویت کرد.

۲- تحلیل اسنادی

اسناد بالادستی شامل سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، برنامه‌های ششم و هفتم توسعه، سند ملی آب، سیاست‌های کلی محیط‌زیست و قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب بررسی شدند تا هم‌راستایی پروژه با سیاست‌های کلان ارزیابی شود. مشارکت محلی و ادراک جوامع از پروژه نیز بر اساس دو منبع اصلی فوق یعنی مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته و تحلیل اسناد بالادستی نیز گردآوری شد.

- تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌ها با روش تحلیل تماتیک بر اساس مدل شش مرحله‌ای [Clarke و Braun \(۲۰۰۶\)](#) تحلیل شدند، این شش مرحله عبارت‌اند از: (۱) آشنایی با داده‌ها از طریق مطالعه مکرر، (۲) کدگذاری اولیه جملات کلیدی، (۳) جستجوی مضامین، (۴) بازبینی و پالایش مضامین، (۵) تعریف و نام‌گذاری مضامین و (۶) تدوین گزارش نهایی. همچنین در این فرآیند از نرم‌افزار MAXQDA برای سازماندهی و کدگذاری داده‌ها به ترتیب مراحل زیر استفاده شد.

۱- معرفی فرآیند کدگذاری

این تعداد مصاحبه با حداکثر تنوع در ۵ خوشه ذی‌نفعان (دولت، صنعت، دانشگاه، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه محلی) هم‌خوانی دارد، هر خوشه با ۱ تا ۳ نماینده پوشش داده شد تا تنوع دیدگاه‌ها برای استخراج کدها تضمین شود. در خوشه جوامع محلی، به‌منظور پوشش هر دو سوی پروژه، با دو مطلع (یکی از ساکنان محلی یزد به‌عنوان مقصد و دیگری از ساکنان محلی بندرعباس به‌عنوان مبدأ) مصاحبه شد. باتوجه به هم‌پوشانی محتوایی و نزدیکی دیدگاه‌های آنان (هر دو موضع بینابین داشتند)، داده‌های این دو مصاحبه به‌صورت یک واحد تحلیلی کدگذاری و در جدول (۱) گزارش شده است؛ از این‌رو تعداد کل مصاحبه‌ها همچنان ۱۰ در نظر گرفته شد. فرآیند کدگذاری در نرم‌افزار MAXQDA نشان داد از مصاحبه نهم به بعد، کد جدیدی استخراج نشد، که نشانه رسیدن به اشباع نظری/کدی بود، یعنی داده‌های جدید اطلاعات نو یا متفاوتی به تحلیل اضافه نکردند ([Saunders و همکاران، ۲۰۱۸](#)). برای اطمینان از جامعیت داده‌ها، مصاحبه دهم انجام شد (مصاحبه دهم شامل دو مطلع محلی (یزد و بندرعباس) در قالب یک واحد تحلیلی بود که کد جدیدی تولید نکرد، اما به کامل شدن داده‌های مربوط به جامعه محلی افزود) تا از عدم از دست رفتن مضامین احتمالی اطمینان حاصل شود. این رویکرد با مطالعات کیفی مشابه که دامنه ۶ تا ۲۰ مصاحبه را برای تحلیل تماتیک پیشنهاد می‌کنند و اغلب در ۸ تا ۱۵ مصاحبه به اشباع کدی می‌رسند، هم‌خوانی دارد ([Guest و همکاران، ۲۰۰۶](#)).

برای ارتقای اعتبار و اعتمادپذیری یافته‌ها، روش‌های متعددی به‌کار گرفته شد. نخست، مثلث‌بندی داده‌ها با ترکیب داده‌های مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و تحلیل اسناد بالادستی (مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، برنامه‌های توسعه و سند ملی آب) انجام شد تا یافته‌ها از منابع مختلف تأیید شوند و از یک‌جانبه‌گرایی جلوگیری شود ([Denzin، ۲۰۱۷](#)). دوم، بازبینی توسط مشارکت‌کنندگان با ارائه خلاصه‌ای از کدها و مضامین استخراج شده به برخی مصاحبه‌شوندگان

در ابتدا متن مصاحبه‌ها در نرم‌افزار MAXQDA وارد شد و در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل گردید. در مرحله نخست، کدهای باز از دل داده‌ها استخراج شدند و سپس در قالب حوزه‌های محوری گروه‌بندی شدند. در نهایت این حوزه‌ها در سطح انتخابی به چهار کد اصلی پژوهش (حکمرانی و شفافیت، تعارض منافع، ریسک محیط‌زیستی و عدالت اجتماعی) تجمیع شدند.

۲- ارائه جدول کتابچه کدها

برای شفافیت بیشتر، در جدول (۲) نمونه‌ای از کدهای استخراج شده همراه با تعریف عملیاتی و نقل‌قول‌های مرتبط از مصاحبه‌شوندگان ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد چگونه مفاهیم خام مصاحبه‌ها به کدهای باز و سپس به حوزه‌های محوری و انتخابی تبدیل شده‌اند.

جدول ۲- کتابچه کدها

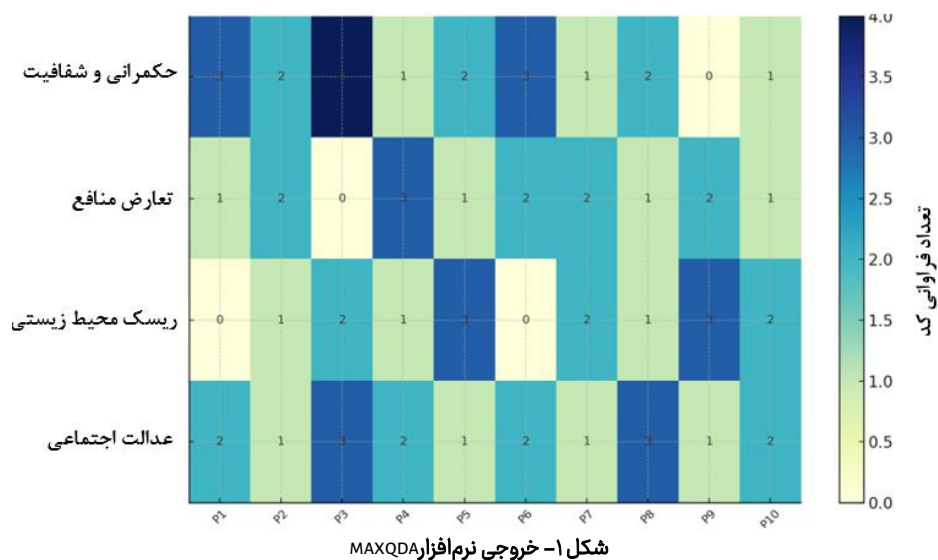
کد انتخابی	کد محوری	کد باز	نمونه نقل‌قول از مصاحبه
حکمرانی و شفافیت	شفافیت ناکافی	عدم شفافیت اطلاعاتی	ما هیچ گزارشی از هزینه‌های واقعی پروژه ندیدیم و فقط آمار کلی اعلام می‌شود، درحالی‌که برای تصمیم‌گیری به جزئیات دقیق نیاز داریم.
	پاسخگویی مبهم	ابهام در نقش نهادها	واقعاً نمی‌دانیم کدام وزارتخانه یا سازمان مسئول پاسخگویی است؛ هر بار که پیگیری می‌کنیم، ما را به نهاد دیگری ارجاع می‌دهند.
تعارض منافع	برتری صنایع مقصد	اولویت صنایع بر نیاز محلی	به نظر می‌رسد همه چیز در این پروژه برای صنایع فولاد و مس طراحی شده و نیازهای مردم محلی کاملاً نادیده گرفته شده است.
	بی‌توجهی به گزینه‌های دیگر	نادیده گرفتن گزینه‌های کم‌هزینه‌تر	هیچ‌وقت به گزینه‌های ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر مثل بازچرخانی آب یا اصلاح الگوی کشت فکر نکردند و مستقیم سراغ انتقال آب رفتند.
ریسک محیط‌زیستی	تهدید اکوسیستم دریایی	نگرانی از پساب شور	اگر این پساب شور دوباره به خلیج فارس برگردد، چه بلایی سر اکوسیستم دریایی و تنوع زیستی آن خواهد آمد؟
	مصرف انرژی بالا	وابستگی به برق فسیلی	این پروژه به اندازه مصرف یک نیروگاه کامل برق نیاز دارد و مشخص نیست این حجم انرژی قرار است از چه منبعی تأمین شود.
عدالت اجتماعی	نابرابری فضایی	تفاوت منافع مبدأ و مقصد	آب از استان ما خارج می‌شود، اما سود و منفعتش به جای دیگری می‌رسد؛ این عادلانه نیست.
	مشارکت محدود	مشارکت صوری مردم	ما فقط برای یک جلسه نمادین دعوت شدیم تا عکس یادگاری بگیرند، اما در تصمیم‌گیری واقعی هیچ نقشی نداشتیم.

۳- ارائه شکل خروجی

شکل (۱) خروجی ^۵ CMB نرم‌افزار MAXQDA را نشان می‌دهد که توزیع و بسامد کدهای استخراج شده در میان مصاحبه‌شوندگان را به تصویر می‌کشد. هر ستون بیانگر یک مصاحبه و هر ردیف نمایانگر یکی از مضمون‌های اصلی پژوهش است (حکمرانی و شفافیت، تعارض منافع، ریسک محیط‌زیستی و عدالت اجتماعی). شدت رنگ در هر خانه نشان‌دهنده فراوانی کدگذاری آن مضمون در مصاحبه مربوط به آن است.

همان‌طور که در شکل مشاهده می‌شود، تم تعارض منافع و ریسک محیط‌زیستی در اغلب مصاحبه‌ها بیشترین بسامد را داشته است؛ به این معنا که بخش زیادی از گفت‌وگوها به موضوعاتی همچون تضاد میان صنایع و جوامع محلی یا

نگرانی از پیامدهای محیط‌زیستی پروژه اختصاص یافته است. در مقابل، مضمون عدالت اجتماعی و حکمرانی و شفافیت اگرچه در همه مصاحبه‌ها مطرح شده‌اند، اما از نظر فراوانی کمتر از دو مضمون دیگر تکرار شده‌اند. این الگو نشان می‌دهد مناقشات اجتماعی پیرامون پروژه، بیش از همه بر محور تضاد منافع و تهدیدهای محیط‌زیستی متمرکز بوده و مسائل مرتبط با عدالت فضایی و شفافیت نهادی به‌عنوان عوامل زمینه‌ای یا تقویت‌کننده در نظر گرفته می‌شوند. به‌طور کلی، شکل (۱) اهمیت نسبی مضامین پژوهش را به‌صورت بصری آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در خصوص ابعاد مختلف توسعه پایدار توزیع شده‌اند. این یافته، مبنای تحلیل‌های تفصیلی در بخش «نتایج و بحث» قرار گرفته است.



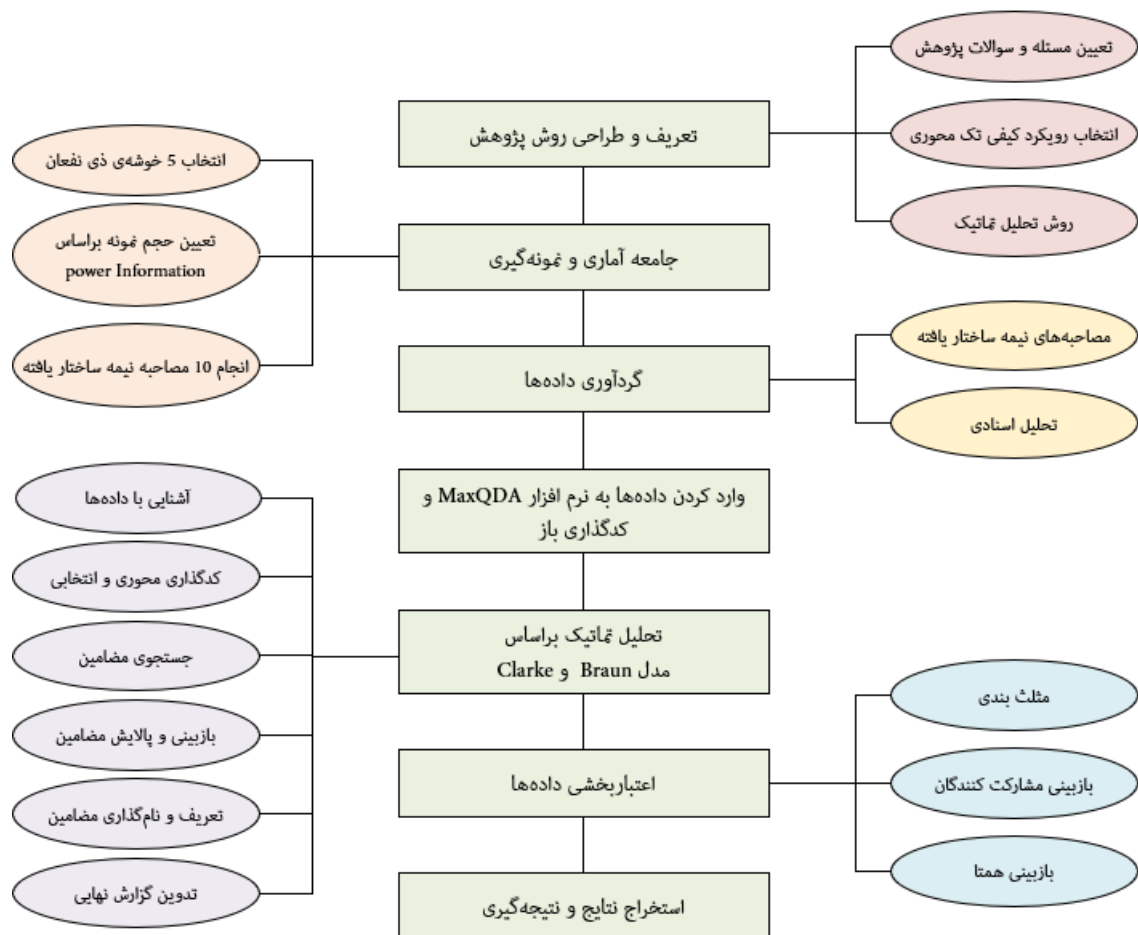
به منظور جمع بندی بخش مواد و روش ها، فلوچارت مراحل پژوهش در شکل (۲) ارائه شده است. این فلوچارت تصویری یکپارچه از روند کلی پژوهش را از ابتدا تا انتها نشان می دهد.

- اعتبار بخشی و روایی

برای اطمینان از اعتبار و اعتماد پذیری یافته ها، مجموعه ای از اقدامات روش شناختی در طول فرایند پژوهش انجام شد. چهار بعد براساس جدول (۳) که برای هر کدام اقداماتی انجام شده است، برای تأیید یافته ها مدنظر قرار گرفت.

جدول ۳- اعتبار بخشی

معیار	اقدامات انجام شده
اعتبار	- نمونه گیری هدفمند با تنوع حداکثری
	- مثلث بندی داده ها
	- بازبینی کدها/ تم ها توسط مشارکت کنندگان
	- مرور یافته ها توسط هم تایان
انتقال پذیری	- توصیف دقیق و غنی از بستر پژوهش و پروژه
	- ارائه نقل قول های مستقیم از مصاحبه شوندگان
	- تبیین شرایط اجتماعی- اقتصادی و نهادی مرتبط
اتکاپذیری	- ثبت و نگهداری مسیر کدگذاری و یادداشت های تحلیلی
	- استفاده از نرم افزار MAXQDA برای انسجام کدگذاری
	- بازبینی درون تیمی جهت کنترل هم خوانی داده ها
تأیید پذیری	- ناشناس سازی داده ها و رعایت محرمانگی
	- مستند سازی تصمیمات پژوهشگر
	- استفاده از شواهد مستقیم (نقل قول ها) برای حمایت از تحلیل ها



شکل ۲- فلوچارت گام‌های پژوهش

نتایج و بحث

مواضع موافق یا مخالف نبوده، بلکه تلاش شده است تمامی دیدگاه‌ها با شفافیت و دقت بازتاب یابد. به همین دلیل، در کنار استدلال‌های مخالفان که گاه پررنگ‌تر و تفصیلی‌تر بیان شده، نظرات موافقان نیز در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی به‌طور نظام‌مند مطرح شده است.

- بعد اقتصادی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان داد که دیدگاه‌های اقتصادی پیرامون پروژه انتقال آب به سه مضمون اصلی قابل تقسیم است: توجیه اقتصادی پروژه، تأثیر بر اشتغال و توسعه صنعت و هزینه فرصت منابع مالی. جدول (۴) دیدگاه‌های مختلف پیرامون این مضامین را نشان می‌دهد.

پروژه انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی مناقشه برانگیز است و دیدگاه‌های موافق، مخالف و بینابین در میان ذی‌نفعان مختلف وجود دارد. در این بخش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته با ۱۰ نفر از ذی‌نفعان کلیدی در قالب سه بعد توسعه پایدار ارائه می‌شود. مضامین اصلی از طریق تحلیل تماتیک استخراج شده و دیدگاه‌های موافق، مخالف و بینابینی در هر بخش منعکس شده است. لازم به ذکر است تحلیل دیدگاه‌های ذی‌نفعان در این پژوهش به‌صورت توصیفی و مبتنی بر داده‌های گردآوری شده ارائه شده است. هدف نویسندگان، برجسته‌سازی هیچ‌یک از

جدول ۴- دیدگاه‌های مختلف در بعد اقتصادی

مضمون اصلی	دیدگاه موافقان	دیدگاه مخالفان	دیدگاه بینابین
توجیه اقتصادی پروژه	سرمایه‌گذاری بلندمدت برای امنیت آبی و صنعتی	هزینه سنگین و بازگشت‌پذیری پایین	مشروط به اصلاح ساختار مصرف و بازبینی مسیر انتقال
تأثیر بر اشتغال و توسعه صنعت	پشتیبانی از صنایع استراتژیک و رشد اشتغال	ایجاد وابستگی به آب وارداتی، شغل‌های ناپایدار	نیاز به پیوست صنعتی و بهره‌وری منطقه‌ای
هزینه فرصت منابع مالی	اولویت با نجات صنعت کشور	بهرتر بود منابع صرف اصلاح کشاورزی و بازچرخانی می‌شد.	ترکیبی از هر دو مورد مطلوب است.

همچنین تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که پروژه انتقال آب خلیج فارس از نظر اقتصادی با حمایت‌هایی برای تأمین آب صنایع کلیدی مانند فولاد و مس مواجه است، زیرا این بخش‌ها، نقش مهمی در اشتغال‌زایی و توسعه مناطق مرکزی دارند. مدیران صنعتی بر توجیه اقتصادی پروژه تأکید دارند و آن را گامی برای کاهش وابستگی به منابع آب محلی می‌دانند. با این حال، مخالفان، از جمله کارشناسان اقتصادی، به هزینه‌های سنگین اجرای پروژه (بیش از ۸ میلیارد دلار) و بازگشت‌پذیری پایین آن اشاره کرده‌اند و پیشنهاد داده‌اند منابع بهینه‌سازی مصرف آب یا کشاورزی اختصاص یابد. این تضاد اقتصادی نشان‌دهنده نیاز به ارزیابی دقیق‌تر توجیه‌پذیری و بهره‌وری است. این یافته‌ها حاکی از ناکارآمدی ساختار تصمیم‌گیری است که بدون در نظر گرفتن گزینه‌های جایگزین، به مقاومت ذی‌نفعان منجر شده است. نظریه مدیریت منابع مشترک [Ostrom \(۱۹۹۰\)](#) بر اهمیت همکاری و ارزیابی اقتصادی جامع تأکید دارد که در این پروژه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. شکاف بین هزینه‌های بالا و سودآوری محدود، ناپایداری اقتصادی را برجسته می‌کند که با اصول توسعه پایدار [Brundtland \(۱۹۸۷\)](#) هم‌راستا نیست. از منظر اقتصادی، علاوه بر هزینه‌های سرمایه‌گذاری و عملیاتی، موضوع قیمت تمام شده آب انتقالی اهمیت دارد.

برآوردها نشان می‌دهد هزینه نمک‌زدایی و انتقال هر مترمکعب آب از خلیج فارس به فلات مرکزی حدود ۴ تا ۵ دلار است، درحالی‌که گزینه‌های جایگزین مانند بازچرخانی پساب صنعتی یا ارتقای راندمان آبیاری کشاورزی می‌توانند با هزینه‌ای به مراتب پایین‌تر تأمین آب کنند ([World Bank Group, ۲۰۲۳](#)). علاوه بر این، بخشی از هزینه‌های واقعی پروژه در قالب یارانه‌های پنهان انرژی و اعتبارات ارزی پوشش داده شده و در محاسبات رسمی منعکس نمی‌شود. بنابراین، قیمت واقعی آب برای صنایع مصرف‌کننده کمتر از ارزش اقتصادی آن است و این مسئله موجب تخصیص نامطلوب منابع می‌شود. از منظر ارزش افزوده و صادرات نیز باید توجه داشت که صنایع آب‌بری همچون فولاد و مس بدون این پروژه لزوماً تعطیل نمی‌شوند؛ زیرا امکان تطبیق با فناوری‌های کم‌آب‌بر (مانند استفاده از سیستم‌های خنک‌سازی خشک یا بازچرخانی آب فرآیندی) وجود دارد؛ لذا ارزیابی اقتصادی پروژه باید در قالب مقایسه‌ای با سناریوهای جایگزین صورت گیرد تا مشخص شود کدام گزینه بیشترین بازده اقتصادی و کمترین هزینه فرصت را دارد. در جدول (۵) مقایسه‌ای کمی و کیفی میان هزینه‌ها و منافع پروژه انتقال آب با سناریوهای جایگزین انجام شده است.

جدول ۵- مقایسه کمی و کیفی میان هزینه‌ها و منافع پروژه انتقال آب با سناریوهای جایگزین

سناریو	هزینه سرمایه گذاری	هزینه عملیاتی سالانه (وابسته به نرخ انرژی و فناوری)	هزینه تمام شده هر متر مکعب آب	فواید اقتصادی	معایب کلیدی	یارانه‌ها و حمایت‌های پنهان
پروژه انتقال آب خلیج فارس	حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار	۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار (نگهداری و پمپاژ)	۴ تا ۵ دلار	افزایش ارزش افزوده صنایع فولاد و مس تا ۲۰٪ و صادرات غیرنفتی	وابستگی به آب وارداتی و هزینه تمام شده بالای آب	یارانه انرژی و ارز دولتی
بازچرخانی آب در صنایع	حدود ۱ تا ۳ میلیارد دلار	۵۰ تا ۱۰۰ میلیون دلار (تصفیه و بازیافت)	۱ تا ۲ دلار	حفظ تولید صنایع بدون تعطیلی و افزایش بهره‌وری تا ۳۰٪	نیاز به فناوری (تحریم‌ها مانع ارتقا بهره‌وری)	حداقل یارانه مورد نیاز
کشاورزی با راندمان بالا (بهینه‌سازی آبیاری)	حدود ۲ تا ۴ میلیارد دلار	۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار (فناوری‌های قطره‌ای)	۱/۵ تا ۰/۸ دلار	کاهش مصرف آب تا ۳۰٪ و افزایش تولید محصول تا ۱۵٪	تغییر الگوی کشت سخت برای کشاورزان	یارانه محدود تجهیزات
فناوری‌های کم‌آب‌بر در صنایع	حدود ۳ تا ۵ میلیارد دلار	۱۵۰ تا ۳۰۰ میلیون دلار (انرژی و فناوری)	-	حفظ صادرات و افزایش کارایی تا ۴۰٪	هزینه اولیه بالا و نیاز به واردات فناوری	بدون یارانه مستقیم

جدول ۶- دیدگاه‌های مختلف در بعد اجتماعی

مضمون اصلی	دیدگاه موافقان	دیدگاه مخالفان	دیدگاه بینابین
مشارکت اجتماعی در تصمیم‌گیری	تصمیم کارشناسی، مردم‌محور	پروژه بدون شفافیت و مشارکت اجرا شده است.	نیاز به بازنگری سازوکارهای مشارکت و اطلاع‌رسانی
اثر بر عدالت فضایی و منطقه‌ای	توسعه مناطق محروم مرکزی	تضییع منابع جنوب برای مرکز	نیاز به موازنه عادلانه در تخصیص منافع
پاسخگویی و شفافیت اجرایی	مجریان پاسخگو هستند.	ابهام در قراردادهای، هزینه‌ها و منابع	نیازمند گزارش دهی شفاف دوره‌ای

- بعد اجتماعی

تحلیل بعد اجتماعی مناقشه نشان داد سه مضمون اصلی در این حوزه قابل شناسایی است: مشارکت اجتماعی در تصمیم‌گیری، اثر بر عدالت فضایی و منطقه‌ای و پاسخگویی و شفافیت اجرایی. جدول (۶) خلاصه این یافته‌ها را نشان می‌دهد.

همچنین در بعد اجتماعی، فقدان مشارکت معنادار ذی‌نفعان و مسائل عدالت فضایی از چالش‌های اصلی هستند. جوامع محلی مبدأ (مثل بندرعباس) احساس محرومیت از منابع خود دارند، زیرا آب به مناطق مقصد منتقل می‌شود، درحالی‌که آن‌ها از مزایای بی‌بهره‌اند. نبود شفافیت در فرآیند تصمیم‌گیری و ابهام در هزینه‌ها و قراردادهای بی‌اعتمادی عمومی را تشدید کرده است. موافقان، ازجمله برخی مدیران، بر ضرورت توسعه مناطق محروم تأکید دارند، اما این ادعا بدون مشارکت واقعی ذی‌نفعان اعتبار خود را از دست داده است. این موضوع به تضاد منافع بین ذی‌نفعان (جوامع محلی، صنعت، دولت) برمی‌گردد که با ناکارآمدی ساختارهای تصمیم‌گیری تشدید شده است. پژوهش [Gash و Ansell \(۲۰۰۸\)](#) بر نیاز به گفتگوی چند ذی‌نفعی برای اعتمادسازی

- بعد محیط‌زیستی

تحلیل بعد محیط‌زیستی مناقشه نشان داد سه مضمون اصلی در این زمینه قابل شناسایی است: آسیب به دریا و ساحل جنوب، مصرف انرژی و ردپای کربن و تغییر اکولوژیکی در مقصد. جدول (۷) خلاصه این یافته‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۷- دیدگاه‌های مختلف در بعد محیط‌زیستی

مضمون اصلی	دیدگاه موافقان	دیدگاه مخالفان	دیدگاه بینابین
آسیب به دریا و ساحل جنوب	آسیب ناچیز به منابع دریایی در مقیاس منطقه‌ای	تخریب تنوع زیستی، شوری و گرمای آب	قابل مدیریت با پیوست محیط‌زیستی مؤثر
مصرف انرژی و ردپای کربن	استفاده از انرژی‌های نو برای پمپاژ	وابستگی شدید به برق، تشدید بحران انرژی	نیازمند ارزیابی چرخه عمر و بازطراحی مسیرها
تغییر اکولوژیکی در مقصد	احیای مناطق بی‌آب	احتمال ناپایداری در اکوسیستم خشک	نیاز به مطالعات دقیق پیش از اجرا

همچنین از منظر محیط‌زیستی، پروژه با انتقادات جدی روبه‌رو است. فعالان محیط‌زیست به تخریب تنوع زیستی خلیج فارس به دلیل برداشت آب و پساب شور و مصرف بالای انرژی برای پمپاژ به فلات مرکزی اشاره کرده‌اند؛ که ردپای کربن را افزایش می‌دهد. تغییرات اکولوژیکی در مناطق خشک مقصد نیز ناپایداری اکوسیستم‌ها را به دنبال داشته است. موافقان معتقدند فناوری‌های نوین و انرژی‌های تجدیدپذیر می‌توانند اثرات را کاهش دهند، اما فقدان شفافیت در پیوست‌های محیط‌زیستی این ادعاها را زیر سؤال برده است. این یافته‌ها با پژوهش [Doortmans و همکاران \(۲۰۲۲\)](#) هم‌راستا است که چالش‌های محیط‌زیستی پروژه‌های انتقال آب را برجسته کرده است. ناکارآمدی در ارزیابی محیط‌زیستی و عدم هماهنگی با سیاست‌های کلان، شکاف بین اسناد و اجرا را نشان می‌دهد. ناپایداری محیط‌زیستی، باتوجه‌به

آسیب به اکوسیستم‌ها و مصرف انرژی بالا، یکی از موانع اصلی توسعه پایدار است.

- ریشه‌های مناقشه و تحلیل اسناد بالادستی

بر اساس تحلیل داده‌ها، ریشه‌های اصلی مناقشه پیرامون پروژه انتقال آب خلیج فارس را می‌توان در چهار عامل اصلی خلاصه کرد که در جدول (۸) نشان داده شده است. نتایج تحلیل نشان داد عمیق‌ترین لایه مناقشه، تضاد منافع بین استان‌های مبدأ و مقصد و همچنین بین گروه‌های مختلف ذی‌نفع است. این تضاد منافع با نبود شفافیت کافی در سیاست‌گذاری و اجرا تشدید شده است. همچنین، نادیده گرفتن گزینه‌های جایگزین یا مکمل مانند بازچرخانی آب، بهبود راندمان و مدیریت تقاضا، باعث شده تا حامیان رویکردهای دیگر، نسبت به پروژه موضع انتقادی داشته باشند.

جدول ۸- ریشه‌های مناقشه

عامل ریشه‌ای	توضیح
تضاد منافع بین استان‌ها و ذی‌نفعان	نابرابری در بهره‌مندی از منابع آب انتقالی
فقدان سیاست‌گذاری شفاف و پاسخ‌گو	عدم انتشار پیوست‌های مطالعاتی و گزارش‌های عمومی
نبود جایگزین‌سنجی و گزینه‌های مقایسه‌ای	نادیده گرفتن راهکارهایی مانند بازچرخانی و بهینه‌سازی مصرف
نادیده گرفتن پیامدهای تجاری و رقابتی	عدم ارزیابی جامع اثرات بر الگوهای تجاری، رقابت‌پذیری و وابستگی‌های اقتصادی
بی‌اعتمادی عمومی و رسانه‌ای	اطلاعات ناهماهنگ و نگاه سیاسی به پروژه‌ها

نیازمند رویکردی جامع و چندبعدی است که تمامی این عوامل را به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار دهد.

- تحلیل تطبیقی اسناد بالادستی مرتبط با پروژه

در کنار تحلیل میدانی، اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران نیز برای بررسی میزان هم‌راستایی پروژه انتقال آب با سیاست‌های کلان مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج این بررسی در جدول (۹) خلاصه شده است.

نادیده گرفتن پیامدهای تجاری و رقابتی پروژه، عامل جدید شناسایی شده در این پژوهش است که کمتر در مطالعات قبلی مورد توجه قرار گرفته بوده است. این عامل شامل نگرانی‌ها درباره تداوم تکیه بر صنایع آب‌بر، رقابت‌پذیری بین‌المللی، وابستگی اقتصادی جدید و عدم هماهنگی بین سیاست‌های آبی و تجاری کشور است. تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد این پنج عامل به صورت متقابل بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و چرخه‌ای از بی‌اعتمادی و تشدید مناقشات ایجاد می‌کنند. به همین دلیل، رفع این مناقشات

جدول ۹- موضع اسناد بالادستی در ابعاد سه‌گانه توسعه پایدار

نام سند	موضع در بعد اقتصادی	موضع در بعد محیط‌زیستی	موضع در بعد اجتماعی
سند چشم‌انداز ۱۴۰۴	تأکید بر توسعه متوازن و امنیت اقتصادی مناطق مرکزی	اشاره ضمنی به حفاظت از منابع طبیعی	تأکید بر عدالت فضایی و توسعه متوازن منطقه‌ای
برنامه ششم توسعه	توسعه صنعت و تأمین آب برای صنایع اولویت‌دار	لزوم اجرای طرح‌ها با رعایت ملاحظات محیط‌زیستی	توسعه مناطق کم‌برخوردار از طریق زیرساخت‌ها
برنامه هفتم توسعه	تأکید بر افزایش بهره‌وری مصرف آب در صنعت و تأمین آب برای فعالیت‌های مولد	لزوم کنترل برداشت بی‌رویه و اجرای پیوست‌های محیط‌زیستی پروژه‌ها	اولویت‌بخشی به مناطق کم‌برخوردار و مشارکت ذی‌نفعان در سیاست‌گذاری منطقه‌ای
سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی	تأکید بر خودکفایی، تولید داخلی و کاهش وابستگی	اشاره کلی به حفاظت از محیط‌زیست	عدالت اجتماعی و کاهش نابرابری‌ها
سند راهبردی توسعه صادرات غیرنفتی	توسعه زنجیره ارزش در صنایع مزیت‌دار	عدم اشاره مستقیم	توسعه متوازن مناطق از طریق صادرات
سیاست‌های کلی محیط‌زیست (۱۳۹۴)	بیان کلی درباره لزوم پایداری منابع اقتصادی	تأکید صریح بر لزوم ارزیابی محیط‌زیستی پیش از اجرای پروژه‌ها	تأکید بر مشارکت عمومی در تصمیم‌گیری‌های محیط‌زیستی و توسعه‌ای
سند ملی آب کشور	تأمین امنیت آبی مناطق بحرانی و خشک‌سالی‌زده	حفاظت از منابع آبی و اکوسیستم‌ها	مدیریت مشارکتی منابع آب با حضور مردم و ذی‌نفعان
قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب	استفاده منطقی از منابع برای توسعه اقتصادی	ممنوعیت تخریب منابع طبیعی بدون انجام ارزیابی محیط‌زیستی	مسئولیت اجتماعی دولت در قبال جوامع محلی و لزوم اطلاع‌رسانی شفاف

۳- در حوزه اجتماعی، اسناد بالادستی بر عدالت فضایی، توسعه متوازن و مشارکت ذی‌نفعان تأکید دارند؛ اما یافته‌های مصاحبه‌ها حاکی از ضعف در اجرای این اصول است.

تضاد کلیدی شناسایی شده:

- اسناد آبی: حمایت از ادامه صنایع آب‌بر (فولاد، مس، پتروشیمی)
- اسناد تجاری: تأکید بر حرکت به سمت صادرات با ارزش افزوده بالا و کم‌آب‌بر

این ناسازگاری اسناد بالادستی خود یکی از ریشه‌های اصلی مناقشه اجتماعی پیرامون پروژه محسوب می‌شود. در مجموع،

تحلیل تطبیقی اسناد بالادستی نشان داد که:

۱- از نظر اقتصادی، اگرچه تأمین آب برای مناطق کم‌آب در اسناد تأکید شده است؛ اما برنامه هفتم توسعه بر بهره‌وری تأکید دارد و انتقال آب را تنها زمانی مجاز می‌داند که بهره‌وری و بازدهی آن توجیه‌پذیر باشد.

۲- از منظر محیط‌زیستی، تمامی اسناد بر لزوم ارزیابی جامع محیط‌زیستی پیش از اجرای پروژه‌ها تأکید دارند؛ اما شواهد نشان می‌دهد شفافیت کافی در مورد پیوست‌های محیط‌زیستی این پروژه وجود ندارد.

شکاف قابل توجهی بین اصول اعلام شده در اسناد بالادستی و نحوه اجرای پروژه در عمل وجود دارد که نیاز به بازنگری در رویکرد حکمرانی آب کشور را بیشتر نمایان می‌سازد. بررسی اسناد بالادستی نشان داد برداشت‌های متفاوتی از این اسناد امکان‌پذیر است. از یک‌سو، در برخی موارد (مانند سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه) می‌توان انتقال آب را در راستای تأمین امنیت آبی و پشتیبانی از صنایع اولویت‌دار تعبیر کرد. این اسناد بر توسعه صنعتی، عدالت منطقه‌ای و تأمین آب برای مناطق کم‌آب تأکید دارند که با نگاه موافق به پروژه هم‌راستا است. از سوی دیگر، همان اسناد با تأکید بر ارزیابی محیط‌زیستی و لزوم بهره‌وری بالا، زمینه‌ای برای نقد و مخالفت با اجرای پروژه در شرایط فعلی فراهم می‌کنند؛ بنابراین، تحلیل این اسناد بسته به زاویه دید و اولویت‌های سیاست‌گذاری می‌تواند هم در جهت حمایت و هم در جهت مخالفت تفسیر شود. پژوهش حاضر تلاش کرده است هر دو دیدگاه را بازتاب دهد و به‌جای داوری نهایی، تضادها و شکاف‌های موجود در سطح اسناد و اجرا را برجسته نماید. هدف اصلی در بخش بعدی ارائه تفسیری عمیق‌تر از مناقشه اجتماعی پیرامون پروژه انتقال آب خلیج فارس و ارائه الگویی برای حکمرانی مشارکتی آن است.

- تضاد منافع بین ذی‌نفعان و ناکارآمدی ساختار تصمیم‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان داد پروژه انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران با وجود اهداف توسعه‌ای و صنعتی خود، با مناقشه‌ای عمیق در سطح اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی مواجه است. تحلیل مصاحبه‌ها آشکار کرد در قلب این مناقشه، تضاد منافع بین ذی‌نفعان مختلف قرار دارد. این یافته با نظریه مدیریت منابع مشترک [Ostrom \(۱۹۹۰\)](#) همسو است که بر پیچیدگی تعارضات در منابع مشترک تأکید می‌کند.

مدیران صنعتی و مسئولان اجرایی بیشتر بر نقش راهبردی پروژه در تأمین آب برای صنایع و جلوگیری از مهاجرت تأکید داشتند، درحالی‌که کارشناسان مستقل و فعالان محیط‌زیست بر ناکارآمدی اقتصادی، پیامدهای محیط‌زیستی و نابرابری اجتماعی متمرکز بودند. این تضاد دیدگاه، مصداق از آنچه [Castillo \(۲۰۲۲\)](#) در نظریه "ساختار تعارض در منابع آب" مطرح می‌کند، است که سه سطح تعارض را شناسایی کرده است: تعارض منافع عینی، تعارض روش‌ها و تعارض ارزش‌ها. ناکارآمدی ساختار تصمیم‌گیری در مدیریت این تضاد منافع، یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش است. مصاحبه‌شوندگان به فقدان سازوکارهای لازم برای گفتگوی سازنده، مشارکت معنادار و حل اختلاف اشاره داشتند. این یافته با [پژوهش محمدی و کرباسی \(۱۴۰۲\)](#) همخوانی دارد که بر نیاز به مشارکت اجتماعات محلی در طرح‌های انتقال آب تأکید کرده‌اند.

برخلاف اصول هشت‌گانه [Ostrom \(۲۰۱۰\)](#) برای حکمرانی پایدار منابع مشترک، به‌ویژه اصول مشارکت در تصمیم‌گیری،

سازوکارهای حل اختلاف و ساختارهای چندلایه، پروژه انتقال آب خلیج فارس فاقد چنین مکانیسم‌هایی بوده است. این امر منجر به افزایش شکاف بین طرفین مناقشه و افزایش مقاومت اجتماعی شده است.

- شکاف بین اسناد بالادستی و اجرا: مسئله حکمرانی

تحلیل تطبیقی اسناد بالادستی نشان داد اگرچه اصول توسعه پایدار، مشارکت اجتماعی و حفاظت محیط‌زیست در اسناد مختلف مورد تأکید قرار گرفته، اما در اجرای پروژه شکاف قابل توجهی بین این اصول و عملکرد واقعی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش [Doortmans و همکاران \(۲۰۲۲\)](#) همخوانی دارد که در بررسی ۳۶ پروژه انتقال آب در ۲۲ کشور، به شکاف بین سیاست‌گذاری و اجرا به‌عنوان یکی از چالش‌های اساسی اشاره کرده است.

این شکاف، نشان‌دهنده ضعف در نظام حکمرانی آب کشور است. همان‌طور که [Gash و Ansell \(۲۰۰۸\)](#) در نظریه حکمرانی مشارکتی خود اشاره می‌کنند، گفتگوی مستمر، اعتمادسازی و یادگیری جمعی، عناصر کلیدی برای غلبه بر چنین شکاف‌هایی هستند. درحالی‌که سند ملی آب کشور بر مدیریت مشارکتی منابع آب تأکید دارد، یافته‌های مصاحبه نشان داد مشارکت ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌ها، محدود و غیر نظام‌مند بوده است. سیاست‌های کلی محیط‌زیست بر لزوم ارزیابی پیش از اجرای پروژه‌ها تأکید می‌کند، اما شواهد نشان می‌دهد شفافیت کافی در مورد نتایج این ارزیابی‌ها وجود نداشته است. این امر با یافته‌های [فدایی تهرانی و ابارشی \(۱۴۰۳\)](#) همسو است که به ضرورت ارزیابی جامع جنبه‌های فنی، اقتصادی و محیط‌زیستی طرح‌های نمک‌زدایی و انتقال آب اشاره کرده است.

- ناپایداری در ابعاد سه‌گانه: اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی

بعد اقتصادی: هزینه‌های اجرای پروژه انتقال آب خلیج فارس حدود ۸ میلیارد دلار برآورد شده است نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری سنگین این طرح است ([فدایی تهرانی و ابارشی، ۱۴۰۳](#)). علاوه‌بر آن، هزینه‌های سالانه نگهداری و پمپاژ آب نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار در سال تخمین زده می‌شود. درحالی‌که هیچ برنامه مشخصی برای بازدهی مالی پایدار ارائه نشده است. هزینه فرصت این سرمایه‌گذاری نیز قابل توجه است؛ به‌طورمثال، طبق گزارش [World Bank Group \(۲۰۲۳\)](#)، اصلاح الگوی مصرف آب کشاورزی با راندمان فعلی ۳۵ درصد می‌تواند تا ۲۰ درصد از مصرف آب کشور را کاهش دهد؛ سرمایه‌گذاری در این بخش می‌توانست بازده اقتصادی-اجتماعی بیشتری به همراه داشته باشد.

بعد اجتماعی: چالش عدالت فضایی و مشارکت اجتماعی از مهمترین موانع پایداری اجتماعی پروژه است. نتایج مصاحبه‌های میدانی نشان داد حدود ۸۰ درصد از ساکنان محلی بندرعباس معتقد

هستند هیچ منفعت مستقیمی از پروژه دریافت نکرده‌اند، درحالی‌که ۱۰۰ درصد نمایندگان صنایع مقصد (استان‌های یزد و کرمان) تأمین آب صنعتی را یک مزیت جدی برای توسعه خود می‌دانند. همچنین، تنها ۱۰ درصد از فرایندهای تصمیم‌گیری نمایندگانی از جوامع محلی را شامل شده است. این اعداد نشان‌دهنده نابرابری در توزیع منافع و محدودیت در مشارکت معنادار هستند.

بعد محیط‌زیستی:

از منظر محیط‌زیستی، پروژه با چالش‌های جدی مواجه است. برداشت سالانه حدود ۱ میلیارد مترمکعب آب از خلیج فارس و تخلیه شورابه (حدود ۱/۵ میلیون مترمکعب در سال) می‌تواند اکوسیستم‌های دریایی را دچار آسیب کند. فرآیند نمک‌زدایی و پمپاژ آب به فلات مرکزی سالانه حدود ۲/۵ تراوات‌ساعت انرژی الکتریکی مصرف می‌کند (معادل مصرف سالانه یک نیروگاه متوسط در ایران). این مصرف انرژی منجر به انتشار تقریبی ۱/۲ میلیون تن دی‌اکسیدکربن در سال می‌شود. این یافته‌ها با برآوردهای جهانی نیز هم‌خوانی دارد؛ به‌طور متوسط، نمک‌زدایی آب دریا به ۳/۵ تا ۴/۵ کیلووات ساعت انرژی برای هر مترمکعب آب نیاز دارد (Li و همکاران، ۲۰۲۲).

– از مناقشه به سوی همکاری: الگوی حکمرانی مشارکتی

الگوی طراحی شده در این پژوهش، ساختار حکمرانی مشارکتی پروژه انتقال آب خلیج فارس را با جزئیات نهادی، سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری و روابط عملکردی میان سطوح مختلف سیاست‌گذاری، تصمیم‌سازی و اجرا ترسیم کرده است. این الگو بر مبنای یافته‌های کیفی و تحلیل اسناد بالادستی مبنی بر ضرورت تبیین دقیق‌تر جایگاه نهادها و میزان الزام‌آوری تصمیمات طراحی شده است.

در شکل (۳) ساختار سه‌سطحی حکمرانی (شورای عالی آب کشور، شورای چندذی‌نفعی و دستگاه‌های اجرایی) و فرایندهای ارتباطی مؤثر شامل گفت‌وگوی چندذی‌نفعی، تصمیم‌گیری جمعی و شفافیت اطلاعاتی نمایش داده شده است که به ترتیب به هم‌سوسازی منافع، اعتمادسازی و مشروعیت، و آگاه‌سازی ذی‌نفعان منجر می‌شوند.

در رأس این ساختار، شورای عالی آب کشور به‌عنوان نهاد بالادستی و مرجع سیاست‌گذاری کلان قرار دارد. این شورا وظیفه دارد چارچوب‌های راهبردی و معیارهای پایداری اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی پروژه‌های انتقال آب را تصویب و بر اجرای آن‌ها نظارت کند. در سطح میانی، شورای چندذی‌نفعی به‌عنوان رکن اصلی حکمرانی مشارکتی عمل می‌کند؛ شورایی که زیرمجموعه‌ی شورای عالی آب تعریف شده و موظف است گزارش‌های تحلیلی و ارزیابی‌های خود را به آن شورا ارائه دهد. تصمیمات و پیشنهادهای این شورا، پس از بررسی در شورای عالی آب کشور، برای تصویب نهایی و ابلاغ اجرایی به هیئت دولت ارائه می‌شوند.

اعضای این شورا شامل نمایندگان وزارت نیرو، وزارت صنعت، معدن و تجارت، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان برنامه و بودجه، دانشگاهیان، صنایع بزرگ مصرف‌کننده (فولاد و مس)، سازمان‌های مردم‌نهاد و نمایندگان جوامع محلی مبدأ و مقصد است.

این شورا نقش واسط میان نهادهای تصمیم‌گیر ملی و دستگاه‌های اجرایی محلی را ایفا کرده و محور اصلی گفت‌وگوی بین‌بخشی و هم‌سوسازی منافع محسوب می‌شود. همچنین، شورا می‌تواند در تعامل مشورتی با کمیسیون‌های تخصصی مجلس شورای اسلامی (به‌ویژه کمیسیون‌های انرژی و محیط‌زیست)، یافته‌ها و ارزیابی‌های خود را برای تقویت نظارت پارلمانی بر سیاست‌های آبی کشور ارائه نماید.

در سطح اجرایی، دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های تابعه وزارت نیرو (از جمله شرکت‌های آب منطقه‌ای و شرکت‌های بهره‌بردار صنعتی) قرار دارند که مسئولیت اجرای تصمیمات شورا، نظارت میدانی و ارائه‌ی گزارش عملکرد به شورای چندذی‌نفعی را بر عهده دارند.

این ساختار سه‌سطحی موجب می‌شود جریان تصمیم‌گیری از بالا به پایین و جریان پاسخ‌گویی از پایین به بالا به‌صورت هم‌زمان برقرار باشد. از نظر ماهیت الزام‌آوری، تصمیمات شورای چندذی‌نفعی جنبه الزام مشورتی دارند؛ به‌این‌معنی که مصوبات شورا پس از تأیید شورای عالی آب و درج در مصوبات هیئت دولت به تصمیمات الزام‌آور تبدیل می‌شوند.

در نتیجه، شورا نقش نهاد تصمیم‌ساز و هماهنگ‌کننده را ایفا می‌کند که با ایجاد هم‌گرایی میان ذی‌نفعان، زمینه تصمیم‌گیری‌های قانونی و الزام‌آور را در سطوح بالادستی فراهم می‌سازد.

افزون بر تبیین ساختار نهادی، الگوی پیشنهادی بر مجموعه‌ای از شاخص‌های میان‌بهدی پایداری تأکید دارد که از یافته‌های کیفی پژوهش استخراج شده است. این شاخص‌ها پیونددهنده سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی هستند و جهت‌گیری تصمیم‌گیری در سطوح مختلف حکمرانی آب را تعیین می‌کنند.

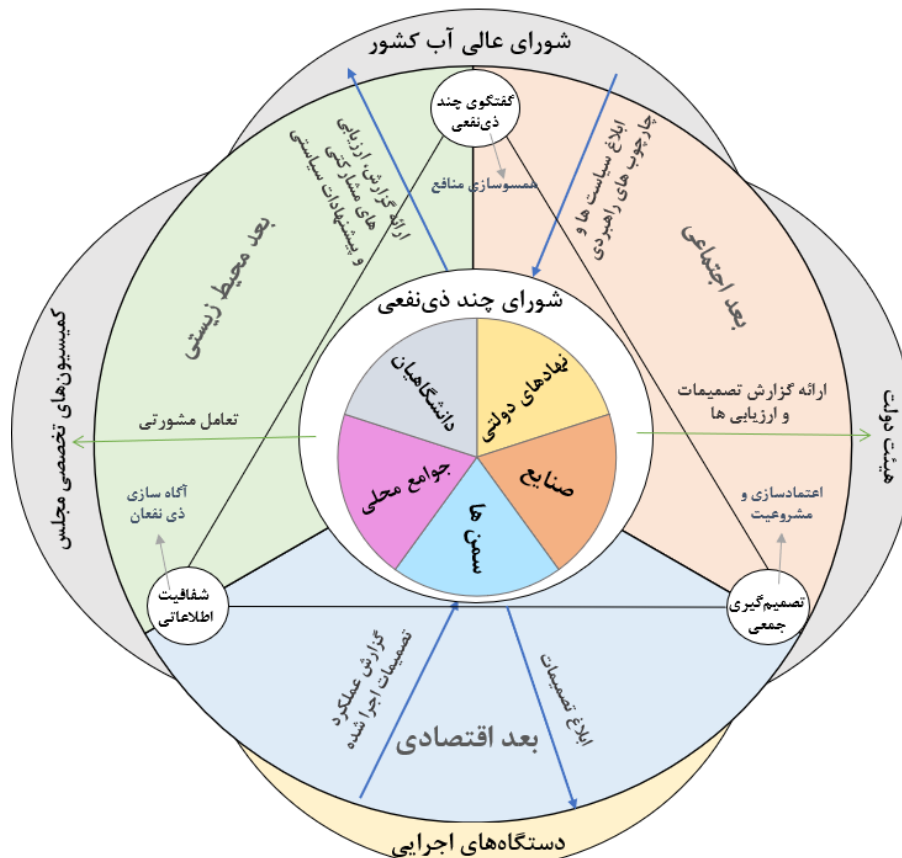
در بخش ارتباطی الگو، پیوند میان مؤلفه‌های فرآیندی و نتایج اجتماعی بر سه رابطه محوری استوار است:

۱) گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی به‌عنوان سازوکار اصلی تعامل میان دولت، صنایع، نهادهای مدنی و جوامع محلی عمل می‌کند و زمینه هم‌سوسازی منافع را فراهم می‌سازد؛ گفت‌وگوی مستمر موجب می‌شود تضاد منافع به تفاهم و همکاری تبدیل شود.

۲) تصمیم‌گیری جمعی حاصل تعامل و هم‌فکری ذی‌نفعان در چارچوب شورای چند ذی‌نفعی است و پیامد مستقیم آن اعتمادسازی و مشروعیت‌بخشی به فرآیند حکمرانی است. مشارکت واقعی در تصمیم‌گیری، احساس تعلق و مالکیت نسبت به نتایج را افزایش داده و رضایت اجتماعی را تقویت می‌کند.

۳) شفافیت اطلاعاتی به عنوان یکی از اصول بنیادین حکمرانی خوب، ابزار اصلی آگاه‌سازی ذی‌نفعان از پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی پروژه است؛ انتشار عمومی داده‌ها و گزارش‌های اثرات محیط‌زیستی موجب ارتقای آگاهی، کاهش ابهام و افزایش پاسخ‌گویی نهادی می‌شود.

در مجموع، الگوی پیشنهادی علاوه بر بازنمایی ساختار نهادی حکمرانی آب، منطق درونی تعاملات اجتماعی، اعتمادسازی و تصمیم‌گیری مشارکتی را نیز تبیین می‌کند و به این ترتیب چارچوبی یکپارچه برای تحلیل و بهبود حکمرانی مشارکتی در پروژه‌های بزرگ انتقال آب فراهم می‌سازد.



شکل ۳- الگوی پیشنهادی حکمرانی مشارکتی

- پیامدهای عملی: از نظریه تا عمل

پیاده‌سازی الگوی حکمرانی مشارکتی در عمل، نیازمند تغییراتی در سطوح مختلف حکمرانی آب کشور است:

الف) سطح نهادی: تشکیل شورای چند ذی‌نفعی مدیریت پروژه با حضور نمایندگان همه گروه‌های ذی‌نفع، تدوین آیین‌نامه‌های شفاف برای مشارکت عمومی و ایجاد سازوکارهای حل اختلاف.

ب) سطح اجرایی: بازنگری در مسیرهای انتقال آب با هدف کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی و مصرف انرژی، استفاده از فناوری‌های نوین برای کاهش اثرات منفی و اجرای برنامه‌های جبرانی برای جوامع محلی متأثر.

ج) سطح سیاست‌گذاری: تدوین سیاست‌های یکپارچه برای مدیریت منابع آب با رویکرد حوضه‌ای، بازنگری در قیمت‌گذاری آب برای انعکاس ارزش واقعی آن و ادغام راهبردهای مدیریت عرضه و تقاضا.

این تغییرات، نیازمند تعهد سیاسی در سطوح بالای تصمیم‌گیری، ظرفیت‌سازی در سطح جوامع محلی و بخش خصوصی و تغییر در فرهنگ سازمانی نهادهای متولی آب است. همچنین، ضروری است این تغییرات با فرآیندهای پایش و ارزیابی مستمر همراه باشند تا امکان یادگیری و اصلاح در طول زمان فراهم شود.

باتوجه به یافته‌های **هنگما و همکاران (۱۴۰۲)** تلفیق سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی برای تضمین پایداری توسعه ناشی از انتقال آب ضروری است. به همین منظور، پیشنهاد می‌شود مکانیسمی برای ارزیابی مستمر پایداری پروژه بر اساس شاخص‌های سه‌گانه توسعه پایدار ایجاد شود و نتایج آن به صورت شفاف در اختیار ذی‌نفعان قرار گیرد.

در نهایت، با استناد به مطالعه **Zhang و همکاران (۲۰۲۳)** پیوند آب، انرژی و تجارت باید به عنوان یک چارچوب یکپارچه برای تصمیم‌گیری در نظر گرفته شود. این امر مستلزم همکاری بین بخشی بین وزارتخانه‌های نیرو، صنعت و معدن،

کشاورزی و محیط‌زیست است تا سیاست‌های هماهنگ و منسجمی برای مدیریت پایدار منابع آب تدوین و اجرا شود. یافته‌های پژوهش نشان داد دیدگاه‌های ذی‌نفعان در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی متنوع و گاه متضاد است. موافقان بر اهمیت توسعه صنعتی، تأمین آب صنایع و ایجاد اشتغال تأکید داشتند، درحالی‌که مخالفان بر هزینه‌های سنگین، پیامدهای محیط‌زیستی و بی‌عدالتی اجتماعی اشاره کردند.

توصیه‌های ارائه شده در این پژوهش، حاصل تحلیل داده‌های میدانی و اسناد هستند. به‌عنوان مثال، ضرورت مشارکت ذی‌نفعان نه تنها یک توصیه نظری، بلکه نتیجه مستقیم مصاحبه با جوامع محلی و فعالان صنعتی است که فقدان شفافیت و مشارکت را عامل اصلی بی‌اعتمادی دانسته‌اند. علاوه‌براین، پذیرش حکمرانی مشارکتی تنها یک انتخاب داوطلبانه نیست، بلکه تحت تأثیر مجموعه‌ای از محرک‌ها و الزامات قرار دارد. بی‌توجهی به مشارکت اجتماعی می‌تواند موجب افزایش تعارضات، تأخیر در اجرای پروژه و هزینه‌های مضاعف اقتصادی شود؛ در مقابل، وجود فشارهای اجتماعی، الزامات قانونی و نهادی نظیر سیاست‌های کلی محیط‌زیست، سند ملی آب، مصوبات شورای عالی آب و ماده ۲۷ قانون تأمین مالی توسعه، همراه با نیاز صنایع به کاهش تعارضات و افزایش مشروعیت اجتماعی، همگی زمینه را برای حرکت به سمت الگوی حکمرانی مشارکتی فراهم می‌سازند.

نتیجه‌گیری

پروژه انتقال آب خلیج فارس با طیفی از دیدگاه‌های موافق، مخالف و بینابین مواجه است. حامیان پروژه بر توسعه صنعتی، اشتغال، تأمین امنیت آبی و عدالت منطقه‌ای تأکید دارند، درحالی‌که منتقدان نگرانی‌هایی درباره پیامدهای محیط‌زیستی، هزینه‌های اقتصادی، بهره‌وری و عدالت اجتماعی مطرح می‌کنند. تحلیل اسناد بالادستی نشان داد این اسناد ظرفیت دوگانه دارند و می‌توانند هم مبنای حمایت و هم مبنای نقد پروژه باشند.

تحلیل داده‌ها نشان داد مناقشات ذی‌نفعان در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی، اشتراکاتی مانند تضاد منافع و بی‌اعتمادی عمومی و تفاوت‌هایی در اولویت‌ها دارند. همچنین، شفافیت اطلاعاتی، مشارکت ذی‌نفعان و بسترهای نهادی مناسب از محرک‌های کلیدی پذیرش حکمرانی مشارکتی در پروژه‌های انتقال آب شناسایی شدند.

نوآوری اصلی پژوهش در ارائه یک مدل حکمرانی مشارکتی بومی است که بر شفافیت، گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی و تصمیم‌گیری جمعی تأکید دارد. این مدل نه در تضاد با فناوری‌های نوین و توسعه صنعتی است و نه جایگزین آن‌ها؛ بلکه به‌عنوان مکمل، می‌تواند پذیرش اجتماعی، مدیریت تضاد منافع و اثربخشی پروژه‌های بزرگ زیرساختی را افزایش دهد.

تجربه‌های بین‌المللی نیز نشان می‌دهد موفقیت پروژه‌های بزرگ زیرساختی زمانی حاصل می‌شود که فناوری و توسعه صنعتی با حکمرانی مشارکتی و شفافیت نهادی همراه باشند. براین‌اساس، یافته‌های این پژوهش علاوه بر کمک به مدیریت تضادهای اجتماعی در سطح محلی و منطقه‌ای، می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاری ملی در حوزه حکمرانی آب و توسعه پایدار باشد. مدل حکمرانی مشارکتی پیشنهادی، با تلفیق شفافیت، مشارکت ذی‌نفعان و تصمیم‌گیری جمعی، می‌تواند پذیرش اجتماعی و اثربخشی پروژه‌های بزرگ را افزایش داده و به کاهش تعارضات اجتماعی کمک کند، بدون آنکه توسعه صنعتی و فناوری‌های نوین را محدود کند.

پیشنهادهای

لازم است پیش از ادامه یا توسعه پروژه، پیوست‌های اجتماعی و محیط‌زیستی تقویت شده و فرآیندهای تصمیم‌گیری به سوی شفافیت و چندصدایی هدایت شود؛ بنابراین، پیشنهاد سیاستی زیر برای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش مناقشه اجتماعی ارائه می‌شود:

- ۱- الزام‌آوری پیوست‌های اجتماعی و محیط‌زیستی برای تمامی پروژه‌های انتقال آب، با انتشار عمومی نتایج پیش از اجرا؛
- ۲- استقرار نظام ارزیابی مستقل و چندبعدی برای پروژه‌های زیرساختی در سه سطح ملی، منطقه‌ای و محلی؛
- ۳- ایجاد ساختارهای گفت‌وگوی چند ذی‌نفعی شامل ساکنان مبدأ و مقصد، دانشگاهیان، فعالان محیط‌زیست و صنایع؛
- ۴- بازطراحی ساختار حکمرانی آب کشور با تمرکز بر بهره‌وری، بازچرخانی و فناوری‌های کم‌مصرف به‌جای طرح‌های بزرگ‌مقیاس پرهزینه؛
- ۵- تأسیس رصدخانه اجتماعی پروژه‌ها برای سنجش مستمر اعتماد عمومی، پذیرش اجتماعی و آثار اجتماعی-اقتصادی؛
- ۶- پایش مستمر داده‌های علمی و اقلیمی با بهره‌گیری از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی به‌عنوان بازوی مشورتی دولت. این پژوهش، باوجود تلاش برای جامعیت، با محدودیت‌هایی مواجه بوده است. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به ترکیب محدود جامعه محلی در نمونه‌گیری اشاره کرد؛ هرچند دو مطلع از یزد (مقصد) و بندرعباس (مبدأ) در مصاحبه‌ها مشارکت داشتند، داده‌های آنان به‌صورت یک واحد تحلیلی تلفیق شد و بنابراین نتایج مرتبط با عدالت اجتماعی و مشارکت محلی باید با احتیاط بیشتری تفسیر شوند. همچنین می‌توان به دسترسی محدود به برخی از ذی‌نفعان کلیدی، عدم امکان مشاهده مستقیم فرآیندهای تصمیم‌گیری و دشواری در دستیابی به اطلاعات دقیق مالی و اقتصادی پروژه اشاره کرد. بنابراین، برای پژوهش‌های آینده پیشنهاد می‌شود مطالعات کمی برای ارزیابی دقیق‌تر آثار اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی پروژه، بررسی تطبیقی این پروژه با نمونه‌های مشابه در سایر کشورها و پژوهش‌های عملی در زمینه طراحی و آزمون مدل‌های مشارکتی حکمرانی آب انجام شود.

در نهایت، پروژه انتقال آب خلیج فارس به فلات مرکزی ایران، باوجود چالش‌های موجود، می‌تواند با اصلاح رویکرد حکمرانی، بهبود شفافیت و تقویت مشارکت اجتماعی، به الگویی برای مدیریت پایدار منابع آب در کشور تبدیل شود. این امر مستلزم عزم ملی، همکاری بین‌بخشی و تعهد به اصول توسعه پایدار در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی است. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با طراحی چارچوب نظری مستقل و صاحب‌ه‌ای گسترده‌تر به تحلیل تفصیلی مشارکت محلی در پروژه‌های انتقال آب بپردازند، زیرا این موضوع ظرفیت نگارش مقاله‌ای جداگانه و کامل را دارد.

سپاسگزاری

این پژوهش مستخرج از رساله دکتری نویسنده اول می‌باشد که با حمایت مالی و علمی مرکز نوآوری، همکاری‌های علمی و دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) انجام شده است. نویسندگان بر خود واجب می‌دانند از همکاری‌ها، راهنمایی‌های تخصصی و پشتیبانی‌های این سازمان، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایند.

منابع

حسینی، فاطمه، و کریمی، رضا. (۱۴۰۲). راهکارهای بهینه‌سازی حکمرانی و کاهش تعارضات در پروژه‌های بزرگ زیرساختی آب. فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، ۱۹ (۳)، ۱۰-۳۵.
<https://doi.org/10.22059/jppolicy.2023.94632>
 خان‌محمدی، حمید، صدقیان ترک‌نژاد، نرگس، و اصلی‌پور، حسن. (۱۴۰۲). تحلیل عوامل مؤثر بر حکمرانی آب در ایران. فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی، ۱۴ (۵۰)، ۶۴-۹۶.
<https://doi.org/10.30495/jpp.2023.19321.2541>
 رهبرقاضی، محمودرضا، و طالع‌ی حور، رهبر. (۱۴۰۳). چالش‌های حکمرانی آب در ایران: بررسی علل و پیامدها از منظر داده بنیاد. فصلنامه پژوهش‌های سیاست‌گذاری عمومی، ۲۵ (۳)، ۴۵-۶۸.
<https://doi.org/10.22059/jpq.2024.380935.1008202>
 رهنما، حمید، زارع، محمد، و احمدی، حمید. (۱۴۰۲). تلفیق ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در پروژه‌های بزرگ انتقال آب. مجله پژوهش‌های مدیریت منابع طبیعی، ۱۰ (۱)، ۱۱-۳۰.
<https://doi.org/10.1016/j.asoc.2016.04.020>
 فدایی تهرانی، محمد رضا، و ابارشی، مریم. (۱۴۰۳). ارزیابی فنی، اقتصادی و زیست‌محیطی نمک‌زدایی در سه کشور پیشرو. نشریه علوم و مهندسی آب و فاضلاب، ۱۹ (۱)، ۷۱-۸۵.
<https://doi.org/10.22112/JWWSE.2023.394456.1362>

قربانی، مهدی، عوض پور، رضا، و رحیمی، مجید. (۱۴۰۴). تحلیل سیاستی انتقال آب بین‌حوضه‌ای: پیامدهای حکمرانی و عدالت محیط‌زیستی، مجله حکمرانی منابع طبیعی، ۲ (۴)، ۱-۲۲.
<https://doi.org/10.22059/jnrg.2026.406650.1072>

محمدی، حمیدرضا، حکیمی خرم، علی، و احمدی، ابراهیم. (۱۳۹۸). امکان‌سنجی پروژه‌های انتقال آب در ایران. مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۲۷ (۱)، ۲۳-۴۵.
<https://doi.org/10.22059/jhgr.2018.248156.1007603>

محمدی، حسین، و کرباسی، علی. (۱۴۰۲). رفتار مصرف‌کنندگان و سیاست‌های بهینه‌سازی مصرف آب در ایران. پژوهش‌های اقتصادی و توسعه پایدار، ۲۴ (۲)، ۹۱-۱۱۰.
<https://doi.org/10.22034/ecor.2023.24.2.91>

Ansell, C., & Gash, A. (2008). Collaborative governance in theory and practice. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(4), 543-571.
<https://doi.org/10.1093/jopart/mum032>

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
<https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>

Brundtland, G. H. (1987). *Our Common Future: Report of the World Commission on Environment and Development*, Vol 1. Oxford University Press. 1st edition. Oxford, UK.

Castillo, D. (2022). The structure of conflict in water resources: Competing needs and governance. *Water Policy*, 24(2), 187-203.
<https://doi.org/10.2166/wp.2022.191>

Denzin, N. K. (2017). *The research act: A theoretical introduction to sociological methods*. Routledge. 1st ed. London, England.

Doortmans, M., Sinha, P. N., & Bracken, L. (2022). Interbasin water transfer in a changing world: A new conceptual model. *Progress in Physical Geography*, 46(3), 371-397.
<https://doi.org/10.1177/03091333221075911>

Guest, G., Bunce, A., & Johnson, L. (2006). How many interviews are enough? An experiment with data saturation and variability. *Field Methods*, 18(1), 59-82.
<https://doi.org/10.1177/1525822X05279903>

Li, Y., Xu, Z., Liu, J., & Chen, X. (2022). Social and ecological implications of the South-North

1893-1907. <https://doi.org/10.1007/s11135-017-0574-8>

UN-Water (UN Educational, Scientific and Cultural Organization). (2023). World Water Development Report 2023: Partnerships and Cooperation for Water. UNESCO Publishing. Paris, France. <https://www.unwater.org/publications>

World Bank Group. (2023). Water Scarcity and Economic Development: World Bank's Economic Analysis of Water Resource Management. World Bank Group. Washington, DC, USA. <https://www.worldbank.org/en/topic/waterscarcity>

Zhang, L., Xu, Z., Li, Z., & Wang, J. (2023). Participatory approaches in water transfer projects: Governance and sustainability challenges. *Environmental Science & Policy*, 123, 45-55. <https://doi.org/10.1016/j.envsci.2021.05.008>

پی‌نوشت‌ها

- 1- United Nations Water
- 2- Sustainable Development Goals
- 3- MAX ,well Qualitative Data Analysis Software
- 4- Non-Governmental Organization
- 5- Non-Governmental Organization

Water Transfer Project in China. *Ecological Indicators*, 140, 109023. <https://doi.org/10.1016/j.ecolind.2022.109023>

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage. Beverly Hills, CA, United States.

Malterud, K., Siersma, V. D., & Guassora, A. D. (2016). Sample size in qualitative interview studies: Guided by information power. *Qualitative Health Research*, 26(13), 1753-1760. <https://doi.org/10.1177/1049732315617444>

Ostrom, E. (1990). *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action*, Vol 1. Cambridge University Press, 1st edition. Cambridge, UK.

Ostrom, E. (2010). Institutional Diversity in the Governance of Common-Pool Resources. In *The Drama of the Commons* (413-429), Vol 1. National Academy Press. 1st edition. Washington, DC, USA.

Rollason, E., Bracken, L. J., Hardy, R. J., & Large, A. R. G. (2022). Interbasin water transfers in a changing world: A new conceptual model. *Progress in Physical Geography*, 46(3), 371-397. <https://doi.org/10.1177/03091333221075911>

Saunders, B., Sim, J., Kingstone, T., Baker, S., Waterfield, J., Bartlam, B., Burroughs, H., & Jinks, C. (2018). Saturation in qualitative research: Exploring its conceptualization and operationalization. *Quality & Quantity*, 52(4),